

تجربه های جهانی پیوند تولید و تجارت موفق بوده است
دکتر مهدی فتح اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
دنیای اقتصاد

در راستای اجرای ماده ۵۳ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور، وزارتخانه های بازرگانی و صنایع و معادن در یکدیگر ادغام شدند. با گذشت حدود دو سال از تشکیل وزارت جدید صنعت، معدن و تجارت که حدود ۴۰ درصد از حجم تولید ناخالص داخلی کشور را مدیریت، برنامه ریزی و ساماندهی می کند برخی سوالات اساسی قابل طرح است. اول آنکه رویکرد و نگاه به ادغام این دو وزارتخانه صحیح بوده است؟ دوم آنکه تجربیات سایر کشورها مویید این اقدام است؟ سوم آنکه ادغام یاد شده دارای آثار مثبت عملی بوده است؟ و چهارم آنکه آیا تولید و تجارت در اقتصاد ایران همسو شده اند یا تولید قربانی تجارت شده است؟

۱- رویکرد ادغام

براساس سند چشم انداز ۲۰ ساله در افق ۱۴۰۴ ایران کشوری دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تاکید بر رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه است. همچنین شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، ارتقای کارآیی بنگاه های اقتصادی و افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی نیز از جمله اهداف سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. شایان ذکر است در بند (ج) سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست گذاری، هدایت و نظارت، توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین المللی و آماده سازی بنگاه های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند تاکید شده است. دورنمای ایران براساس اسناد بالادستی همگی بر ضرورت توجه به رویکرد برون نگر در اقتصاد ایران بدلالی همچون «رشد اقتصاد ملی و بهره وری»، «کاهش وابستگی به نفت»، «افزایش قدرت رقابت پذیری بنگاه های تولیدی»، «آماده سازی و حمایت از بنگاه های داخلی جهت مواجهه با قواعد تجارت جهانی»، «حفظ و گسترش بازارهای صادراتی و افزایش سهم در بازارهای جهانی»، «افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دارای ارزش افزوده بالا» و «ظرفیت سازی در حوزه تولید و بازرگانی با هدف ایجاد اشتغال پایدار» صحه می گذارد.

براین اساس با توجه به آنکه در دنیای امروز تولید سرچشمه تجارت و تجارت محرک تولید می‌باشد ایجاد پیوند و همسویی بین تولید و تجارت در اقتصاد ایران برای دستیابی به بازارهای جهانی امری ضروری است. به عبارت دیگر رویکرد اصلی در تشکیل وزارت صنعت، معدن و تجارت، سیاست‌گذاری، هدایت و حمایت از توسعه زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های صنعتی، معدنی و بازرگانی برای تولید کالاها و خدمات با ارزش افزوده بالا، رقابت‌پذیر و صادرات محور به منظور ارتقای جایگاه رقابتی ایران در تجارت بین‌الملل است تا ضمن تمرکز بر تولیدات رقابتی بتوان هدف توسعه صادرات و افزایش سهم از بازارهای بین‌المللی را دنبال کرد.

۲- تجربیات سایر کشورها

بررسی تطبیقی کشورهای موفق دنیا (که حرکت‌های جهشی را تجربه کرده‌اند) موید آن است که تجربه رشدهای بالا و مداوم اقتصادی توأم با رشد تجارت بوده است. نمونه بارز این موضوع کشورهای بریک (برزیل، روسیه، هند و چین) است که براساس اطلاعات موجود با تداوم نرخ رشد اقتصادی بالا در طول یک دهه توانسته‌اند سهم خود از تولید جهانی را از ۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به بالای ۱۵.۴ درصد در سال ۲۰۱۰ برسانند. این در حالی است که حجم تجارت این کشورها در این دوره زمانی از ۶.۱ درصد به ۱۲.۷ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، دو برابر شدن سهم تولید جهانی با دو برابر شدن سهم تجارت در این دوره همراه بوده است. نکته مهم در این خصوص، حاکمیت راهبردی برون‌نگر مبتنی بر شکل‌گیری و تقویت فرآیندهای تولیدی به‌منظور حضور فعال در عرصه اقتصاد بین‌الملل است. در این راستا به‌منظور استفاده از ظرفیتهای ملی، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، همسوسازی و انسجام در سیاستهای تولیدی و تجاری، تولید محصولات صادراتی، اکثر کشورهای موفق به یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری و هدایت و حمایت فعالیت‌های تولیدی-تجاری اقدام کرده‌اند. کشورهای ترکیه، مالزی و هند از جمله نمونه‌های بارز این کشورها قلمداد می‌شوند که بدون تردید بخشی از موفقیت آنها در رشد و توسعه اقتصادی که با محوریت توسعه تجارت صورت گرفته است، نشأت گرفته از مدیریت واحد تولید (صنعتی) و تجارت در قالب یک وزارتخانه می‌باشد.

در کشور ترکیه وزارت صنایع و تجارت دارای مأموریت افزایش قدرت رقابت صنایع و گسترش بازرگانی از طریق وظایفی همچون برنامه‌ریزی گسترش بخش صنعت و گسترش سطح فنآوری، ایجاد مناطق و شهرک‌های صنعتی، صدور شناسنامه صنایع و تولید اطلاعات بخش صنعت، تدوین و نظارت بر استانداردها، ایجاد آزمایشگاه‌ها و مراکز کنترل کیفیت، حمایت از صنایع کوچک و متوسط و ... است.

وزارتخانه صنایع و بازرگانی بین‌الملل در کشور مالزی دارای مأموریت تعیین استراتژی و ارتقای جایگاه رقابتی این کشور در تجارت بین‌الملل از طریق تولید کالا و خدمات با ارزش افزوده بالا و

توسعه فعالیتهای صنعتی در راستای ارتقای رشد اقتصادی از طریق اجرای وظایفی همچون برنامه-ریزی، تدوین و اجرای سیاستهای توسعه صنعتی و سرمایه گذاری و تجارت بین‌المللی، تشویق و تسهیل سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ارتقای صادرات محصولات تولیدی و خدماتی مالزی، به کمک تقویت ارتباطات و مشارکتهای دو جانبه و منطقه‌ای و ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری ملی در بخش‌های تولیدی می‌باشد.

مروری بر تجربیات این کشورها حاکی از آن است که هر یک از این کشورها جهت افزایش درآمدها و رشد اقتصادی خود به دنبال اتصال به اقتصاد جهانی می‌باشند. در این راستا گزارشهای بین‌المللی به‌وضوح نشان‌دهنده رشد و توسعه این کشورها در دهه‌های اخیر و نیز در آینده است. شایان ذکر است کشورهای مذکور به‌منظور ارتقای سطح تجارت جهانی خود، توسعه ارتباطات و تعاملات اقتصادی و تجاری در سطح منطقه و محیط بین‌الملل را با جدیت هر چه بیشتر در دستور کار ملی قرار داده‌اند.

۳- آثار مثبت ادغام

تدوین استراتژی یکپارچه توسعه صنعتی، معدنی و تجاری: ادغام حوزه تولید و تجارت امکان تدوین استراتژی‌های حوزه تولید و تجارت با رویکردهای تولیدات صادرات‌گرا، افزایش صادرات و ... را فراهم کرده است.

پیامد چنین برنامه‌ریزی‌ای می‌تواند حذف تناقضات، چالش‌ها و موازی‌کاری‌ها در حوزه تولید و تجارت باشد.

امکان مدیریت یکپارچه زنجیره سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت: ادغام حوزه تولید و تجارت ضمن ایجاد یکپارچگی در امر برنامه‌ریزی، امکان مدیریت و اعمال سیاست‌های حاکمیتی با نگاه واحد را نیز فراهم می‌کند.

تعیین نرخهای تعرفه با رویکرد و نگاه واحد (مبتنی بر استراتژی‌های حوزه تولید و تجارت): یکی از تناقضات مهم حوزه تولید و تجارت در تعیین نرخهای تعرفه از طریق ادغام و امکان نگاه جامع‌نگر برطرف شده است.

مدیریت واردات روان‌تر و آسان‌تر: طرح ادغام به اجرای سریع‌تر و روان‌تر سیاست مدیریت واردات منجر شده است. وجود مدیریت واحد در حوزه تولید و تجارت و نقش مهمی در پیشبرد این سیاست دارند.

امکان مدیریت سیاست‌های هدایتی-حمایتی در فرآیند زنجیره: با در نظر گرفتن فرآیند سرمایه-گذاری، تولید و صادرات به‌عنوان زنجیره یک فعالیت اقتصادی، ادغام حوزه تولید و تجارت امکان مدیریت سیاست‌های هدایتی-حمایتی در طول زنجیره را بصورت منطقی فراهم کرده است.

امکان توسعه زیرساخت‌های صنعتی، معدنی و تجاری بر مبنای مزیت‌های تولیدی: ایجاد مدیریت یکپارچه در حوزه تولید و تجارت امکان توسعه زیرساخت‌های موردنیاز را بر مبنای ارتباط منطقی بین پتانسیل‌های تولیدی-تجاری هر استان میسر خواهد کرد.

برنامه‌ریزی اثربخش‌تر به‌منظور بهبود فضای کسب و کار: بدلیل سهم حدود ۴۰ درصدی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تولید ناخالص داخلی کشور، امکان برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و مدیریت بهبود فضای کسب و کار (بدلیل رفع بسیاری مشکلات و چالش‌ها) فراهم خواهد شد.

۴- همسویی تولید و تجارت

در اقتصاد پیشرفته و بهم پیوسته کنونی رقابت حد و مرزی نمی‌شناسد، به‌همین دلیل تولیدات کشورها باید مبتنی بر مزیت‌های رقابتی بوده و قابلیت درهم شکستن مرزهای بین‌المللی را داشته باشد. براین اساس است که تولید سرچشمه تجارت و تجارت محرک تولید نامیده می‌شود. در چنین فضایی از طریق تدوین استراتژی‌ها و اولویت‌های حوزه تولید و تجارت باید پیوندی ناگسستنی بین آنها برقرار کرد. به‌عبارت دیگر تولیدات باید رویکرد صادراتی داشته باشند و تجارت نیز در خدمت تولیدات باشند. لذا است که نمی‌توان در چنین فضایی صحبت از قربانی شدن تولید در مقابل تجارت داشت چراکه هدف از این پیوند رفع تعارضات و حضور در بازارهای جهانی است.

در خاتمه لازم به ذکر است موضوع ادغام دو سیستم بزرگ و پیچیده بازرگانی و صنایع و معادن کشور امری نیست که دفعتاً محقق شده و کلیه اهداف آن محقق شود. بلکه فرایندی است که به مرور زمان با افزایش یکپارچگی این دو سیستم نتایج و ثمرات آن پدیدار می‌گردد.

بدیهی است قضاوت در خصوص عدم کارایی ادغام وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع و معادن که متأسفانه توسط برخی کارشناسان مطرح شده است نمی‌تواند کلیه اهداف ادغام را زیرسوال برده و باعث نادیده گرفتن عملکردهای مثبت آن باشد. هرچند کاستی‌هایی هم وجود دارد اما با همکاری و مشارکت همگان باید در صدد رفع آنها بود.